

[**فصل فی الستر و الساتر** 2](#_Toc509179627)

[**حرمت نظر به غیر وجه و کفین زن أجنبی** 2](#_Toc509179628)

[***بررسی اجماع در وجوب ستر قدمین*** 2](#_Toc509179629)

[***بررسی أدله دیگر راجع به وجوب ستر قدمین*** 4](#_Toc509179630)

[**مرسله مروک** 4](#_Toc509179631)

[**اطلاق معتبره مسعدة بن زیاد** 4](#_Toc509179632)

[**مناقشه** 4](#_Toc509179633)

[***جواب*** 5](#_Toc509179634)

[***نتیجه بحث از حکم قدمین*** 5](#_Toc509179635)

[**حکم نظر به وجه و کفین زن أجنبی** 5](#_Toc509179636)

[***قول أول (حرمت نظر به وجه و کفین مطلقاً)*** 5](#_Toc509179637)

[***قول دوم (جواز نظر به وجه و کفین مطلقاً)*** 6](#_Toc509179638)

[***قول سوم (تفصیل بین نگاه أول و نگاه های بعد)*** 7](#_Toc509179639)

[***بررسی أدله قول به حرمت*** 7](#_Toc509179640)

[**آیات** 7](#_Toc509179641)

[**آیه أول** 7](#_Toc509179642)

[**آیه دوم** 8](#_Toc509179643)

[***مناقشه*** 8](#_Toc509179644)

[***جواب مرحوم خویی از مناقشه*** 8](#_Toc509179645)

[***اشکال أول در جواب مرحوم خویی*** 9](#_Toc509179646)

[**پاسخ مرحوم بروجردی از اشکال أول** 9](#_Toc509179647)

[**مناقشه در پاسخ مرحوم بروجردی** 10](#_Toc509179648)

[***اشکال دوم در جواب مرحوم خویی*** 10](#_Toc509179649)

**موضوع**: حرمت نظر به غیر وجه و کفین/حرمت نظر به وجه و کفین /فصل فی الستر و الساتر /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در حرمت نظر به غیر وجه و کفین زن أجنبی بود و برخی أدله حرمت را بررسی کردیم. در این جلسه بحث را تکمیل می کنیم.

**فصل فی الستر و الساتر**

**حرمت نظر به غیر وجه و کفین زن أجنبی**

***بررسی اجماع در وجوب ستر قدمین***

راجع به بحث دیروز که عرض کردیم «ادّعای اجماع شده است بر این که ستر قدمین از نامحرم واجب است و نظر به آن بر نامحرم حرام است» این را توضیح دهیم؛

**ادّعای اجماع، هر چند در کلمات جمعی از بزرگان مطرح شده است**؛

صاحب ریاض، محقق نراقی و شیخ انصاری ادّعای اجماع بر حرمت نظر و حرمت کشف قدمین کرده اند و برخی از بزرگان هم به طور کلی گفته اند که بر حرمت نظر به غیر وجه و کفین اجماع داریم مثل فخر المحققین، محقق ثانی و شهید ثانی.

**و لکن وقتی بررسی می کنیم می بینیم این مطلب قابل تصدیق نیست وجوب ستر قدمین و حرمت نظر به قدمین اجماعی نیست؛**

**مرحوم کلینی در کافی**: بابی به نام «باب ما یحلّ النظر إلیه من المرأه» در این باب مرسله مروک را نقل می کند: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَرَى مِنَ الْمَرْأَةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَحْرَماً قَالَ الْوَجْهُ وَ الْكَفَّانِ وَ الْقَدَمَانِ.[[1]](#footnote-1) ظاهرش این است که نظر خود کلینی این است. و در ابتدای کتاب کافی هم گفت که من آثار صحیح از صادقین علیهما السلام را می آورم.

**یا علامه در تذکره می فرماید**: و أما القدمان فالظاهر عدم وجوب سترهما- و به قال أبو حنيفة، و الثوري، و المزني- لأن القدمين يظهر منهما في العادة فلم تكن عورة كالكفين[[2]](#footnote-2) البته موضوع بحث، نماز است ولی چون به مناسبت بحث نماز آیه «و لایبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها» را مطرح کرده است معلوم می شود اختصاص به نماز هم ندارد زیرا این آیه اختصاص به نماز ندارد.

**علامه در منتهی می فرماید**: قال الشيخ: لا يجب عليها ستر ظهر القدمين. و به قال أبو حنيفة. و قال الشافعي و مالك و أحمد: يجب سترهما. لنا: انهما يظهران غالبا فأشبها الكفين و الوجه[[3]](#footnote-3). و چون این مطلب را در ذیل آیه «و لایبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها» مطرح می کند ظاهرش این است که می خواهد بگوید که قدمان از زینت ظاهری محسوب می شود که اگر زینت ظاهری باشد از «و لایبدین زینتهنّ» مستثنا خواهد بود.

**یا محقق أردبیلی در مجمع الفائده می فرماید**: و اما عورة المرأة فلا خلاف في كون كلها عورة: يجب سترها في الصلاة مطلقا، عدا الوجه و الكفين و القدمين، و في غيرها من الأجنبي: و في تحريم تكرار النظر إليها من المحترم مطلقا: و يؤيد الإجماع بعض الايات و الاخبار. و اما ستر هذه الأشياء في غير الصلاة، سيجي‌ء البحث عنه في النكاح. و اما حال الصلاة فنقل في المنتهى الإجماع على عدمه في الأولين منا، و في الأول من المسلمين مطلقا. و اما الأخير، فاستدل عليه بالخبر الصحيح عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام: و المرأة تصلى في الدرع و المقنعة إذا كان الدرع كثيفا قال المصنف: الدرع هو القميص، قاله في الصحاح: و ليس القميص غالبا ساترا لظهر القدم. و استدل على الأولين بالاية الكريمة (وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلّا ما ظَهَرَ مِنْها) بأنه قال ابن عباس: هو الوجه و الكف ثم قال: و القدمان ليس ظهرهما بأفحش من الوجه و الكفين:و يمكن ان يقال: انما ثبت بالإجماع غيرها، فبقيت الثلاثة تحت الأصل: و أيضا لا فرق بين كون القدمين و اليدين و الوجه، في انها في محل الزينة، و انها مما ظهر، فيكون هما أيضا داخلين في الاستثناء...

**و همین طور شیخ ابوالفتوح رازی که**: هم مفسّر و هم فقیه است در تفسیر خود (تفسیر روض الجنان که تفسیری فارسی است) در جلد 13 صفحه 125 در ذیل آیه «و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها» می گوید که قدمین هم جزء عورت نیست.[[4]](#footnote-4)

**و مرحوم طبرسی صاحب مجمع البیان**: در ذیل «و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها» می فرماید: «وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» يعني الزينة الباطنة التي لا يجوز كشفها في الصلاة و قيل معناه لا يضعن الجلباب و الخمار عن ابن عباس‏؛ و کشف قدمین در نماز جایز است لذا مراد از زینت باطنی غیر از وجه و کفین و قدمین می شود.

**لذا اجماعی وجود ندارد و باید مسأله را بررسی کنیم؛**

***بررسی أدله دیگر راجع به وجوب ستر قدمین***

**مرسله مروک**

مرسله مروک (مروک عن بعض أصحابنا) به لحاظ سندی مشکل داشت و گرنه اگر سند تام بود صریح در این بود که قدمین از زینت ظاهری است و ابدای آن جایز است.

بله کسانی که قائل اند که روایات کافی معتبره است مثل مرحوم نایینی که فرمود مناقشه در سند کافی دأب عجزه است، و بیشتر به کلام خود کلینی در ابتدای کافی استناد می کنند که به کسی می گوید «شما از من خواستی کتابی بنویسم که مشتمل بر آثار صحیح از صادقین علیهم السلام باشد فأرجوا أن تکون کما توخیت یعنی امیدوارم که خواسته تو برآورده شده باشد» که ما مناقشه کردیم و نپذیرفتیم.

**نکته:** وقتی روایت مرسله است کلینی علم غیب ندارد که این شخص چه کسی است و لذا نمی تواند سند را تصحیح کند و نقل او باعث تصحیح سند نمی شود.

**اطلاق معتبره مسعدة بن زیاد**

وقتی سند روایت تمام نبود سراغ اطلاق معتبره مسعدة بن زیاد می رویم که تنها وجه و کفین را استثناء کرده است: [عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَراً وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ.[[5]](#footnote-5)] که معنای این روایت این است که قدمین در مستثنا منه داخل می شود و روایت ظاهر در تحدید زینت ظاهری است.

**مناقشه**

**منتها اشکالی داریم که:** ما می گفتیم زینت نهایت مواضع زینت از بدن زن را شامل می شود و قدمین ممکن است از مواضع زینت تلقّی نشود و لذا در مورد حرمت کشف قدمین و حرمت نظر به قدمین قصور مقتضی داریم.

***جواب***

**و لکن به نظر می رسد که**: این مناقشه قابل جواب است و بالأخره مواضع زینت شامل قدمین هم می شود زیرا به ناخن پا حنا می بندند یا الآن به ناخن لاک می زنند. و لذا جای این است که حداقل راجع به قدمین احتیاط واجب کنیم. و این که جازم نمی شویم این است که برای ما خیلی واضح نیست که در عرف آن زمان، قدمین به عنوان موضع زینت محسوب می شده است هر چند بعید نیست زیرا همین که می شد به آن حنا بزنند موضع زینت می شد.

عرف آیه «ولایبدین زینتهنّ» را کنایه از عدم ابدای مواضع زینت می بیند و فهمیدیم که این آیه ولو به قرینه روایات شامل مواضع زینت هم می شود (چون در روایت، زینت ظاهره را بر وجه و کفین تطبیق کرد) و البته بیش از مواضع متعارف زینت ظهور ندارد و اطلاق آن مشکل است. و چیزی که در مورد قدمین باعث احتیاط می شود این است که بعید نیست که پا هم مثل دست از مواضع متعارف زینت در آن زمان هم بوده است لذا می گوییم قدمین داخل در مستثنا منه آیه است.

***نتیجه بحث از حکم قدمین***

**فالأحوط وجوباً: وجوب ستر القدمین و حرمة النظر إلیهما**

**حکم نظر به وجه و کفین زن أجنبی**

**مطلب بعد این است که**: آیا نظر به وجه و کفین زن أجنبی جایز است یا نه؟ که در ضمن آن حکم وجوب ستر وجه و کفین هم روشن می شود؛

**در مسأله سه قول وجود دارد:**

***قول أول (حرمت نظر به وجه و کفین مطلقاً)***

**شیخ طوسی در نهایه فرموده است**: و لا بأس أن ينظر الرّجل الى وجه امرأة يريد العقد عليها، و ينظر الى محاسنها: يديها و وجهها. و يجوز أن ينظر الى مشيها و إلى جسدها من فوق ثيابها. و لا يجوز له شي‌ء من ذلك إذا لم يرد العقد عليها.[[6]](#footnote-6)

یعنی حق ندارد به وجه زنی نگاه کند که قصد ندارد با او ازدواج کند.

أبو الصلاح حلبی در کافی، ابن براج در مهذب، ظاهر سرائر، مرحوم قطب راوندی در فقه القرآن، علامه حلی در تذکره و ارشاد، فخر المحققین در ایضاح الفوائد، شهید أول در بعض کتبش، فاضل هندی در کشف اللثام این قول را فرموده اند.

و همین طور ابن زهره در غنیه، ابن حمزه در وسیله و محقق حلی در مختصر النافع تعبیر کرده اند که: «من أراد أن یتزوّج مع إمرأة یجوز له أن ینظر إلی وجهها و کفیها»

و صاحب جواهر هم این قول را اختیار کرده است و حرمت نظر به وجه و کفین زن أجنبی را اثبات کرده است.

**صاحب عروه هم در کتاب الصلاة و هم در کتاب النکاح احتیاط واجب کرده اند**؛ ایشان بین زن و مرد فرق نگذاشته اند و همان طور که نظر به غیر وجه و کفین حرام قطعی و نظر به وجه و کفین بدون قصد شهوت و ریبه احتیاط واجب است، نظر زن هم به غیر وجه و کفین مرد حرام و نظرش به وجه و کفین مرد بدون قصد شهوت و ریبه احتیاط واجب است.

**مرحوم خویی در کتاب الصلاة می فرمود که**: نظر به وجه و کفین زن نامحرم جایز است و ستر هم بر زنان واجب نیست ولی وقتی به کتاب النکاح رسید فرمود طبق أدله قول به حرمت، متعیّن است ولی باز فتوای به حرمت ندادند و احتیاط واجب کردند.

احتیاط واجبش در کتاب الصلاة به خاطر عدم دلیل بر حرمت بود و در کتاب النکاح به این خاطر که تسهیل أمر بر مکلفین کند احتیاط واجب کردند وگرنه قائل است که أدله حرمت تام است.

***قول دوم (جواز نظر به وجه و کفین مطلقاً)***

کلینی در کافی بابی دارد به نام: «ما یحلّ النظر إلیه من المرأة» و صاحب وافی و صاحب وسائل هم همین عنوان را ذکر کرده اند که معلوم می شود نظرشان این است: در ذیل این عنوان روایت مروک را نقل کرده اند که وجه و کفین و قدمین را استثناء کرده است.

شیخ طوسی در تهذیب و استبصار و مبسوط قائل به جواز نظر به وجه و کفین شده است. در ریاض گفته است که «ظاهر مسالک هم همین است و جماعتی از متأخری متأخّرین هم همین را گفته اند.»

شیخ انصاری ره این فقیه مقدّس به شدّت قائل به جواز نظر به وجه و کفین زن نامحرم شده است و گفته است که هیچ دلیلی بر حرمت نداریم.

***قول سوم (تفصیل بین نگاه أول و نگاه های بعد)***

تفصیل بین نگاه أول که جایز است و بین نگاه های بعدی که جایز نیست؛

محقق حلی در شرایع این قول را گفته است؛و لا ينظر الرجل إلى الأجنبية أصلا إلا لضرورة و يجوز أن ينظر إلى وجهها و كفيها على كراهية فيه مرة و لا يجوز معاودة النظر و كذا الحكم في المرأة.[[7]](#footnote-7)

علامه حلی در أکثر کتبش مثل قواعد و تحریر، و شهید أول در لمعه همین قول را فرموده اند.

البته باید مراد از نظر أول مشخص شود: اگر کسی به زنی نگاه کند و نگاه خود را از او برنگرداند آیا این نظر أول محسوب می شود؟ قطعاً مراد از نظر أول شامل استمرار نگاه نمی شود. و البته فرض بحث، نظر بدون شهوت و خوف فتنه است وگرنه اگر با شهوت یا خوف فتنه باشد که حرمت نظر اجماعی است.

شهید ثانی در مسالک کلام شرایع را توضیح داده است که مراد از جواز نظر برای یکبار، نظر سطحی است که ادامه پیدا نکند و گرنه اگر یک نظر باشد و استمرار داشته باشد مثل تکرار نظر است و مقصود آقایان از یکبار نظر، یک لحظه ی عرفی است.

**سیمری در غایة المرام فی شرح شرایع الإسلام فرموده است**: و ان كان النظر إلى الأجنبية لغير حاجة فقد جوز أكثر الأصحاب النظر الى وجهها و كفيها مرة لا أزيد، لقوله صلّى اللّه عليه و آله: «لكم أوّل نظرة، فلا تتبعوها بالثانية» . هذا مع عدم التلذذ و خوف الفتنة، فإن حصل أحدهما انتفى الجواز.

**انصاف این است که سیمری اشتباه کرده است** که: می گوید أکثر أصحاب قائل به جواز مرة واحدة هستند بلکه أکثر قدماء قائل به حرمت حتّی نسبت به مرة واحدة بودند؛ بله کثیری از أصحاب مخصوصاً متأخّرین قائل به جواز نظر شده اند.

***بررسی أدله قول به حرمت***

**آیات**

**آیه أول**

آیه شریفه:﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾

این آیه را مفصّل بحث کرده ایم و گفتیم که متعلّق محذوف است و حذف متعلّق افاده عموم نمی کند و شاید مراد غضّ بصر از عورة مؤمنین دیگر باشد یا مراد غضّ بصر از چیز هایی است که واجب است دیگران سترش کنند

**آیه دوم**

آیه شریفه: ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ﴾: گفته می شود که آیه می گوید زینت را بر نامحرم ابداء نکنند و اطلاق آن شامل وجه و کفین می شود.

***مناقشه***

أولین و واضح ترین اشکال بر استدلال به این آیه که مرحوم خویی هم در کتاب الصلاة گفته است این است که: زینت ظاهری استثناء شده است﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ و زینت ظاهره وجه و کفین است که معتبره مسعدة بن زیاد هم آن را بیان کرد.

***جواب مرحوم خویی از مناقشه***

مرحوم خویی در کتاب النکاح به زبان حال می گوید که مطلب در کتاب الصلاة اشتباه بوده است و آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ ربطی به آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ ندارد و این ها دو مطلب را بیان می کنند؛ یک ابداء الزینة داریم و یک ابداء الزینة للغیر داریم؛ آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾می گوید زینت باطنی خود را آشکار نکنند هر چند علم به وجود أجنبی نداشته باشند. بله جایی که علم به عدم وجود أجنبی دارند مسلم است که ابداء جایز است مثل این که در حمام باشند و برهنه شوند و از آن انصراف دارد ولی ابدای زینت ظاهره مطلقاً حرام است هر چند شک در وجود ناظر أجنبی دارد. و آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ می گوید که ابدای زینت للغیر حرام است و ابدای زینت للغیر در جایی است که می دانید غیری وجود دارد و مورد این روایت، مورد علم به وجود ناظر أجنبی است که اطلاق دارد و در این آیه زینت ظاهری استثناء نشد. یعنی ابدای زینت للغیر هر چند زینت ظاهری که وجه و کفین است باشد، حرام است.

یعنی این زن اگر شک در وجود ناظر أجنبی دارد اشکال ندارد که صورت و دستان خود را باز بگذارد ولی تا یقین کرد که نامحرم وجود دارد یا می آید باید صورت و دستان خود را هم بپوشاند. و در مورد بقیه مواضع که زینت باطنی است اگر زن، شک در وجود ناظر هم داشته باشد حق ندارد که مثلاً موی سر خود را باز بگذارد. ابدای زینت غیر ظاهره فی حدّ نفسه حرام است نه این که ابدای للأجنبی حرام باشد؛ نتیجه این است که اگر شک در وجود أجنبی کند باز ابدای زینت حرام است یعنی اگر خانمی داخل حیاط بیاید و احتمال می دهد کارگرها بالای پشت بام بیایند و کار کنند حق ندارد بدون چادر بیاید ولی لازم نیست پوشیه بزند ولی هر وقت دید که مرد نامحرم وجود دارد یا پوشیه بزند ویا چادر خود را روی صورت بیاورد.

طبعاً ظاهر فرمایش مرحوم خویی این است که هر دو حکم واقعی اند.

***اشکال أول در جواب مرحوم خویی***

در کتاب النکاح که قائل به وجوب ستر وجه و کفین شده است (در ذهنم چنین است که) أصلاً متعرض آیه ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ نشده است و در کتاب الصلاة می گوید اگر دلیل هم داشتیم که ظاهر در وجوب ستر وجه و کفین بود این آیه شریفه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ دلیل بر این است که از ظهور این خطاب در وجوب ستر وجه و کفین رفع ید کنیم.

و این اشکال واقعاً قوی است که این آیه می گوید ستر وجه لازم نیست زیرا می فرماید ای زن ها روسری خود را پشت سر نبندید و روی گریبان خود قرار دهید: که معلوم می شود وجه زن باز است.

**پاسخ مرحوم بروجردی از اشکال أول**

مرحوم بروجردی (ایشان از قائلین به وجوب ستر وجه و کفین بود و راجع به نظر به وجه و کفین فتوای به جواز نمی داد حال یا فتوا و یا احتیاط واجب می کرد.) در کتاب تبیان الصلاة (که تقریر مرحوم حاج آقا علی صافی است) جواب این اشکال را داده است:

فرموده است: ما سه پوشش داریم؛ خمار، جلباب و ازار؛ ازار همان چادر است. و جلباب پارچه ی بزرگ بود و برخی تعبیر به روسری بزرگ می کنند و خمار هم روسری است.

مرحوم بروجردی فرموده اند که ما هم می گوییم که خمار را پشت سر نبندند و روی گردن بکشند ولی وقتی أجنبی بود باید جلباب را از روی سر به سمت پایین بکشند تا رویشان دیده نشود و اگر جلباب نیست چادر را روی صورت بکشند تا صورتشان از نامحرم مخفی بماند و آیه ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ نفرمود که «ولایدنین علیهنّ من جلابیبهنّ» بلکه آیه دیگر می گوید:﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلاَبِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلاَ يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾ می گوید که جلابیب را بر خودشان بیفکنند. و «یدنین علیهنّ» به معنای محکم گرفتن نیست و در لغت به این معنا نیست مثلاً آیه «و دانیة علیهم ظلالها» به این معنا است که به سمت آن ها کشیده شده است یعنی روی آن ها افتاده است.

اگر آیه اطلاق ندارد از روایات وجوب ستر وجه و کفین استفاده می شود. و تنها اشکالی مطرح شد که این آیه دلالت بر عدم وجوب ستر می کند که خواستیم بگوییم آقای بروجردی این آیه را معنا کرده است و از این اشکال جواب داده است.

**مناقشه در پاسخ مرحوم بروجردی**

**و لکن انصاف این است که**: این معنای برای این آیه خلاف ظاهر است؛ اگر روی خمار خود جلباب و ازار دارد چه اصراری وجود دارد که خمار را به پشت سر خود نبندد؟ این هم یک مد است و جلباب را محکم می گیرد که گردن او پیدا نشود. و این که ممکن است باد جلباب را کنار بزند باعث نمی شود که بگوییم در آیه خمار را گفته که باد کنار نمی زند زیرا باد ممکن است خمار را هم کنار بزند. و صرف این که در زیر پوشش جلباب گردن او پوشش نداشته باشد اشکالی ندارد.

لذا این که ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ را معنا می کنید که خمار را روی گریبان بیندازند و طبعاً ستر صورت از این آیه استفاده نمی شود ولی از أدله دیگر استفاده کردیم که صورت لاأقل با جلباب یا ازار پوشیده شود؛ انصاف این است که خلاف ظاهر است.

***اشکال دوم در جواب مرحوم خویی***

**و عمده اشکال ما به مرحوم خویی این است که:**

واقعاً تفسیری که مرحوم خویی کرد و فرمود آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ ربطی به آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ ندارد که أصل آن هم در کتاب اسداء الرغاب *فی مساله الحجاب* -*السید محمدباقر* اللکهنوی الکشمیری ذکر شده است و کتاب تحقیقی خوبی است؛ انصافاً این مطلب خلاف ظاهر است و لا یساعد علیه العرف أبداً و هیچ فرقی بین این دو آیه نیست. که در جلسه بعد بررسی خواهیم کرد.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص521.](http://lib.eshia.ir/11005/5/521/القدمان) [↑](#footnote-ref-1)
2. تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)، ج‌2، ص: 447‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. منتهى المطلب في تحقيق المذهب، ج‌4، ص: 273‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. عبارت کتاب «و درست آن است كه روى و كفهاى دست و كفهاى پاى از زن عورت نباشد، به آن معنى كه بشايد كه در نماز گشاده باشد.» [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج20، ص202، أبواب مقدمات النکاح، باب109، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/202/الوجه) [↑](#footnote-ref-5)
6. [النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، شیخ طوسی، ج0، ص484.](http://lib.eshia.ir/10054/0/484/محاسنها) [↑](#footnote-ref-6)
7. [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج2، ص213.](http://lib.eshia.ir/71613/2/213/معاودة) [↑](#footnote-ref-7)